

نامه‌ای از روم

بقلم لوییجی بارزینی روزنامه نگار مشهور ایتالیا*

درمجله بسیار معروف انکوئتر (۱) چاپ انگلیس - شماره ژوئن ۱۹۵۶

ترجمه ع. م. عامری

اداره هائی در روم وجود دارد که کارمندان ساعی آن بزیرورو کردن توده های عظیم پرونده های مربوط بمواد غذایی از قبیل قندو شکر، روغن و آرد مشغولند تا معلوم بدارند که این اقلام در ایام جنگ اخیر برحسب مقررات تقسیم و توزیع گشته است یا نه. حقیقت امر را بخواهید غالباً هم بناهنجاریهائی برمیخورند، چه در آن ایام اوضاع آشفته بوده و عمده فروش یا دکاندار بیش از آنچه باید سهم بگیرد گرفته است یا بدهی خود را هنوز نداده است. بنابراین بشتاب نامه‌ای بعنوان او میفرستند که در ظرف چندروز باید حساب خود را با دولت پاک کند. چون بعد از جنگ قیمت پول ایتالی تنزل فاحش یافته مبلغ بدهی بسیار اندک میشود. علاوه برین نامه‌ها غالباً باز میگردد زیرا مخاطب یا مرده یا جلائی وطن کرده یا بزندان اندر افتاده یا بکلکی ناپدید شده است. دستگاه دولت ایتالی هر چند کند می‌جنبد باریک بین و سختگیر است. وزارت دارائی حتی از یک شاهی طلب خویش صرف نظر نمی‌کند و اگر هم بدهکار است ناشاهی آخر را بطلبکار میدهد. مثلاً در روم اداره‌ای هست که مشغول واریسی به ۴۰۰۰۰۰ پرونده اهالی کالبری (۲) و سیسیل است که در زلزله دسامبر ۱۹۰۸ خسارت دیدند. خسارت دیدگان اکنون هفت کفن یوسانده اند و کودکان یتیم که بهمت ملاحان ملل مختلف نجات یافته حال مردان وزنانی شده‌اند سالخورده. بناها و کلبه هائی که پس از زلزله برای مصیبت دیدگان و بی‌خان و مسانان ساخته شد در جنگ بسبب وقوع زلزله های دیگر با خاک یکسان گشته است. باوجود این اداره معهود هنوز مشغول رسیدگی بدعاوی مردم آن زمان است و تازه دعوی هم که مسلم شدم بلفی که به آنان تعلق می‌گیرد بیش از قیمت چهار پنج وعده غذا نیست.

چندماه پیش شهرداری اِتا (۳) اعلانی بدین مضمون بر دیوار اطلاق شعبه مالیات نصب کرد « از امروز تا پنج روز دیگر این اداره حاضر است بکسانی که از حمله سیاه بوربون به سیسیل در سنه ۱۸۶۰ زیان دیده‌اند، بر حسب صورت تنظیم شده، مبلعی بدهد (۴). دیوان محاسبات با همه کار های مهم که دارد اکنون سخت میکوشد که دو چرخه‌هایی که در تابستان ۱۹۴۳ بمعضی افسران، هنگام عبور از شهر روم، داده شده است پس بگیرد و بوزارت دفاع بازگرداند. این دو چرخه‌ها

* این روزنامه نگار تاکنون دوسه بار بایران آمده است. ۱ - Encounter، مجله ایست

ماهیانه در ادب و هنر و سیاست. ۲ - Calabria ایالتی است در جنوب غربی ایتالی.

۳ - Enna شهری است در جزیره سیسیل. ۴ - در آن سال مردم جزیره سیسیل بفرانسوای دوم پادشاه سیسیل دو گانه [یعنی ناپل و جزیره سیسیل] شوریدند. خواننده توجه خواهد فرمود که اداره بحساب نود و شش سال پیش رسیدگی کرده است.

همه یاموقع مباران ازین رفته یادر اوضاع آشفته پس از قرارداد متارکه جنگ در هشتم سپتامبر ۱۹۴۳، با بسی اشیاء دیگر مفقود شده است. قیمت هر دوچرخه نزدیک به بیست تومان است و در برابر ضررهای دیگر که در آن چندماه وارد آمد این قلم هیچ است. با وجود این کارمندان محکمه بیای خویش این سوی و آن سوی میدوند تا اختطاریه‌ها را شخصاً بدست صاحبمنصبانی که مدارکی دال بر گم شدن و از میان رفتن دوچرخه‌ها ندارند برسانند. اختطاریه میگوید «هر صاحبمنصبی بموجب ماده ۱۹۴ فرمان سلطنتی، مورخ ۲۴ مه ۱۹۲۴ و شماره ۸۲۷ مکلف است ثابت کند که دوچرخه را تحویل داده یا اگر لطمه‌ای بدوچرخه وارد آمده اومقصر نبوده یا دست کم اختیار حفظ آن از قدرت او بیرون بوده است.»

چند روز پیش کارمندی بمن چنین گفت «خدا پدر اجنبیان (۱) مهاجم را بیمارزاد. اگر هجوم آنان نبود شاید الآن کارمندان ادارای در یکی از سی کویچه‌ها مشغول رسیدگی بمخارج دوشیزگان حافظ آتش مقدس (۲) بودند.» در روم ازین گونه ادارات در گوشه و کنار فراوان است اما شناسائی آنها مشکل است چون لوحه‌ای بر در و دیوار ندارند وغالباً نام آنها حتی در دفتر تلفون هم یاد نشده است. کارمندان این ادارات سعی بلیغ بجا می‌آورند که نام اداره بر سر زبانها نیفتد. بعضی ادارات فقط روی کاغذ وجود دارد مملک اعتبار مخارج آن در صورت حساب دولت پیش‌بینی شده و حقوق اعضای آن مرتب اداء میگردد. ممکن است کسی راه خویش را گم کند و بشلط وارد عمارتی گردد و بر سیبل اتفاق بچنین اداره‌ای برخورد یا گاهی نمره تلفون را اشتباه بگیرد و یکی ازین ادارات جواب گوید چنانکه چند هفته پیش برای من چنین پیش‌آمدی کرد. مخاطبی در جواب سؤال من که «آنجا کجا است؟» گفت «اداره زه‌کشی اراضی آلبانی.» دلم میخواهد بدانم که این مؤمنان بزه‌کشی اراضی آلبانی چه کار دارند (۳).

میل شدید کارمندان دولت برای دفع بلاى انحلال و پیش‌گیری از مرگ اداره‌ای که بعال نزع افتاده بس هوشیار و رندشان کرده است. انصاف اینکه گاهی برای نجات ادارات محترق تدابیر نیکومی اندیشند. مثلاً اداره‌ای که فقط برای روشن ساختن حساب‌ایام جنگ بر باشد و میبایست هر چه زودتر کار خود را خاتمه دهد و درها را تخته کند هنوز بهانه‌های گوناگون برپا است و اتفاقاً کارمندان هم در ستر ناز و نعمت میفتند. همچنین در ایام جنگ اداره‌ای برای فروش تخم مرغ تأسیس شد و مخارج آن از مبلغ اندکی که بر قیمت هردانه تخم افزوده میشد تأمین میگشت. امروز نام اداره بدل به اداره معامله پتیر شده است.

شرکتی دولتی وجود دارد که در هر نوع متاع دادوستد میکند. نام اصلی آن «شرکت کشتی‌رانی ایریتره» است اما آخرین کشتیهای این شرکت ده سال پیش یا در دریای سرخ غرق شد یا در یکی از بنادر کشورهای استوائی در گوشه‌ای زنگ زد. بوجود نازنین اداره لطمه وارد نشده و هنوز زنده است. فقط کشتی ندارد. شرکت دولتی دیگر بنام «شرکت ایتالیائی سیاحت افریقای شرقی» است که اخیراً نام خود را عوض کرده و نام «شرکت بار کشتی دریائی» گرفته است. وظیفه مهم شرکت این بود که زوار مسیحی را در سالهای متبرک به روم برساند و باز گرداند (۴).

۱- Barbarians ۲- Vestal virgins ۳- آلبانی اکنون کشوری است مستقل و ایتالی در امور آن کمترین مداخله‌ای ندارد. ۴- Holy Year، هر به ۲۵ سال کاتولیکهای عالم بحکم پاپ، برای عبادت جمعی، به روم میروند. این سال «سال متبرک» معروف است.

شرکتی دیگر بنام « هیئت مدیران مهمانسرا های افریقای شرقی » سابقاً تأسیس گشت اما علت وجود کنونی آن برمن مجهول است .

صدها بلکه هزارها داستان شیدنی در باب اینگونه ادارات بگوش میرسد . هر کاسب و تاجری که بادولت سروکار داشته چنته اش از قصه های خنده آور این ادارات پر است . قصه در عین خنده ناکی گاهی رقت هم می آورد . شنونده بحال کارمندان بیچاره دل میسوزاند که باچه کوشش فراوان این یاد کارهای قدیم را دست نخورده نگه میدارند و باهه کهنگی تاجه حد مجاهده بخرج میدهند که بحسابهای گذشته بدقت رسیدگی کنند ، بدهکاران را بیای میز حساب بکشند و طلبکاران را بچویندو حقشان را بدهند و در نهایت دلبستگی همیشه منافع دولت را حفظ نمایند . از دوجهت کار این ادارات باعث تفککه خاطر و ریشخند است . یکی اینکه مدتها از عمر گرانبها خرج میشود دیگر اینکه نفی بس مختصر عاید میگردد . اما کار اداره ، مانند هنر ، متعلق بدنیائی است که وقت ارزش ندارد . وقت عنصری است چون هوا بی قدر و قیمت و اداره هر قدر بخواهد میتواند مصرف کند و در راه محاسبه خسارت حمله سیاه بوربونها نود سال بگذرانند و بر دامن کبریاش گرد نشینند . اما در اندک بودن مبلغ این ایرادی است بیجا و از زمره سخنان بوج علمای اقتصاد امروزه که مدعیند در برابر رنج کنج باید برگرفت

در اینکه دستگاه اداری ایتالی ، نه کارمندان دستگاه که دلشان از دست مقررات بی حد و حساب خون است ، هنوز همان شیوه آباء و اجدادی دوره قبل از کشف ماشین بخار میگردد شواهد فراوان میتوان آورد . بشماره افرادی که برای شغلی استخدام میکنند هیچ اعتناء نمیشود همچنانکه در قرن هزده هم ، برای برافراشتن عمارتی ، گروه های عظیم کارگر بخدمت میگرفتند و از کثرت آنان اندیشه بخود راه نمیدادند . تخصص هم چنگی بدل نمیزند و نتیجه اینکه ادارات دولتی پر از کارمندانی است همه کاره هیچکاره . با انواع ماشین سرو کار ندارند و اگر هم دارند در مراحل ابتدائی است . استنطاقات ، تقریرات گواهان ، تحقیقات و همه تشریفات محاکم را بخط می نویسند . ماشین نویسهای وزارتخانه ها کند کار میکنند ، فقط دو انگشت را بکار می اندازند و کلمات را غلط میزنند گوئی سربازانی هستند که تازه از صف به پشت میز ادارات نقل مکان کرده اند . تلفون نادر و وجودش عزیز است . اتومبیل جایش خالی است . حتی یاسبانان غالباً مجبور میشوند که از تعقیب دزدان و جانانی که اتومبیل دارند یا خود را به اتومبیل کرایه ای میسازند دست بردارند و فقط از عهدۀ بی سروپایان پیاده برمی آیند . ماشین تهیه نسخ متعدد ندارند . از قفسه مخصوص اوراق ثبت و دستگاه محاسبه وجدول بندی بیزارند . سخن کوتاه ، تقریباً هیچیک از وسائل امروزه که برای سرعت و نظم کار اداری لازم است برای آنان فراهم نیست .

هر شیوه حکومتی تازه بر مرصه آمده تکیه اش بر سرباز و کارمند اداری است یعنی همان گروهی که لنین هم آنان را « اهل خبره و فن » می نامید . کارمندان اداری و نیز (۱) و لباردی (۲) و سیسیل دو گانه و ساردنی بودند که وحدت ایتالی را بنیان نهادند نه انقلابیان و هواداران گاریبالدی . کارمندان دولتی دوره جولیشی (۳) بودند که در ابتدای امر دستگاه حکومت فاشیستهارا اداره کردند و نگذاشتند سگته ای به امور وارد آید نه هواداران و جوانان فاشیست . کارهای عام المنفعه ، کنند

۱- از ایالات شمال شرقی ایتالی است . ۲- از ایالات شمال ایتالی است . ۳- Ololitti یکی از نخست وزیران پیش از انقلاب فاشیستی .

کاريز وزه کشي باتلافا در دوره موسوليني مطابق نقشه‌اي صورت گرفت که سالها پيش از ظهور فاشيست تهيه شده بود. همينکه موسوليني زمام امور را بکسرده بدست خويش گرفت و کساني را که تربيت فاشيستي يافته بودند بر کارها گماشت و اصول اداري فاشيستي باب شد نظم ادارات از هم ياشيد. باهمه اينها حتى در دوره حکومت بيست ساله فاشيستي باز مقداري از آداب و تشریفات و مقررات سابق بر جای ماند. کساني هم از کهنه کاران در ادارات ماندند که نسبت بدولت صميم بودند و در ادای وظیفه از وجدان پاک خويش بيروي ميکردند. پس از جنگ اخير همين گروه توانستند بخوي از انجاه امور ادارات را سر و صورتي بدهند. افسوس که اين عده اندک اندک از خدمت کنار ميروند و جمعي هم اکنون بازنشسته شده‌اند. در حيرت حکومتی که بناچار بايد بکساني تکیه کند که در حزب اشتراکی شرکت داشته يا از دام تصفيه جسته ، زاده آشوب و بي نظمهاي دوره جنگ بوده يادرسايه بند و بستهاي انتخاباتي بمقام رسیده روز کارش چگونه خواهد گذشت. حتی اگر ورزاي آينده کساني باشند که کشته و تجربه ديده (واين امر بسيار بعيد است) ، باشاهت و وافت بمشکلات کشور و در راه رفع دشواريها موافق يکديگر باز به اهل فن ، کارشناس ، شبهه‌هاي خاص ، اطلاعات دقيق و کارمندان مؤمن و با کفايت محتاجند. اين گونه اشخاص در دستگاه حکومت حکم کبريت احمر دارند.

شماره کارمندان دولت ايتالي تقريباً به ۱۶۱۰۰۰۰۰۰ ميرسد. سرباز و کارمند راه آهن و معلم و بخشدار و اعضای محاکم را نبايد در عداد اعضای دولت قلمداد کرد. عده کساني که ، صرف کار اداري انجام ميدهند از ۲۵۰۰۰۰۰ تن درنمگذرد. با دامنه وسيع کار ادارات و طول و تفصيل آن و مداخلات مستقيم که دولت در نيمي از امور اقتصادي کشور و در نيم ديگر بغير مستقيم دارد اين عده اندک مينمايد. در همان حال ميگويم که بجهاتي اين عده پيش از حد لزوم است. در هر اداره جمعي بيکاره پشت ميز نشسته اند اما عضو کاردان لايق ، کار بر و مدبر و مدير ، متخصص و عضو فني کم می بينيد. وزارتخانه ها در هيچ رشته ، عضو تربيت يافته ندارند يا کم دارند و بجای آن گروه ها کارمند کم حقوق پشت ميزها لم زده اند. هر کس بتواند اين سپاه عظيم را در سراسر روز بکار وادارد انصاف شق القمر کرده است. اين عدم تعادل اتفاقي نيست بلکه زاده مقرراتي است که بتدریج در ظرف سالهاي فراوان وضع گشته است.

محصول مقررات موجود اينکه مقامهاي حساس که مجريان و مديران کافي ميخواهد و شماره اش به ۲۵۰۰۰۰ ميرسد هميشه نزديک به هفت هزار آنها بي متصدي است. ز دو خورد بيشت بر سر تحصيل مقامهاي پائين است. حقوق چنين سپاه ها اندک اما در عوض ساعات کارش کمتر است و مسؤليت واقعي هيچ است و خطر اخراج و محروميت هم در ميان نيست. چنين کارمندی بي رنج و زحمت و شکوه و حشمت ، فارغ از حساسان و اسباب چينان تا پايان عمر در کار ميمانند. بر حسب تعقيقاتی که درين اواخر بعمل آمد معلوم شد که گروهی فراوان از ايتاليايان بدین نوع کار رغبت فراوان دارند چه ، هر چند مزد آن قليل است مقام يابنده است و در موقع پيري حقوق مختصر بازنشستگی هم بجای است. از اين روی هر وقت برای استخدام معرف و سر بيخدمت ، روز امتحان اعلام ميشود و داوطلبان فراوان ، برای شرکت در آن ، ثبت نام ميکنند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲ که دولت به ۵۰،۳۰۰ تن کارمند کم پايه احتياج داشت ۴۹۰۰۰۰۰ تقاضا بدفتر رسيد. استاد دی مارکی که رساله ای تحقيقي درين باب نشر داده است ميگويد در چهارم مه ۱۹۵۰ وزارت دارائي اعلان کرد که برای تصدي شغل

سریشخدمتی جلسه امتحانی برقرار خواهد ساخت. عدد تقاضا کنندگان ۵۰۹۳۹۹ رسید. پنج سال طول کشید تا امتحان بعمل آمد و اوراق تصحیح شد. نتیجه در مجله هفتاد صفحه‌ای رسمی بنام «صورت رسمی کارمندان و ارتقاء اعضای ادارات دولتی» بچاپ رسید و هر رساله بقیمت تقریباً پانجاه ریال بمعرض فروش گذارده شد. شاید در هیچ نقطه‌ای از عالم در انتخاب معرف و سریشخدمت چنین دقتی بکار نرود.

علت وجود چنین وضعیت این است که دولت بقدری حقوق کم میدهد که مردمان کافی بالیاقت هرگز خدمت اداری نمی‌پذیرند. حقوق مهندسی جوان در آغاز خدمت ماهی تقریباً ششصد تومان است. پس از سی سال خدمت ممکن است حقوق او بدو برابر این مبلغ برسد. علاوه برین، دستگاه اداری بصورتی است که کارمند بیکاره ویرکار در سالهای معین بدرجه بالاتر و حقوق بیشتر ارتقاء می‌یابد. مردم کاری، دانسته، مؤسسات ملی (بمؤسسات دولتی که بصورت ملی اداره میشود) داخل میشوند. در همین اثناء اعضای قدیم و پخته بازنشسته میگردند و جای آنان را جوانان کودن و بی قابلیت و نالایق که در دوران تحصیلی جزئی استعدادی صفتی از خود نمایان نداشته اما به «معجزه» صاحب گواهی نامه و دانشنامه شده‌اند جای آنان را میگیرند.

هر کس که بوضع ایتالیا شناسا نباشد شاید از گفته‌های ماچنان نتیجه بگیرد که حال ادارات چنان خراب است که هیچ کار اساسی در آن صورت نمیگیرد. حقیقت امر اینکه در ایتالیا و حتی ادارات دولتی خواه نا خواه بعضی کارهای اساسی صورت پذیراست. همیشه جمعی کارمند و وظیفه شناس، غمخوار و کوشا وجود دارند و جدمیکنند تا از میان طومارها مقررات ماده‌ای بیابند که به آنان اجازه عمل بدهد یا دست کم سد راه اقدامات اداری آنان نگردد. اینان پهلوئان گمنام دستگاه دولتی در افریقا همچنانکه راهنمایان تازه واردان را از کوره راه‌های جنگل میگذرانند، کمینگاه صید آماده میکنند و تفنگ صیاد را چنان قرار میدهند که هنگام نشانه کردن شیر، تفنگ بی‌لرزه بماند در شهر روم راهنمایانی هستند که در برابر مبلغی جزئی داوطلب ناشی را قدم بقدم از جنگل شعبات اداری و براه‌هایی که خود میشناسند میبرند تا عاقبت بمیزی میرسند که عالیجنابی در پشت آن محکم قرارداد و بیج و مهره کار در دست اوست و «بسعادت» او و در سایه «آجیل مشکل گشا» گره کار فرو بسته گشوده میشود.

اگر کاری که باید انجام گیرد بیهوده و درهم و متناقض است چه فایده دارد که ادارات اشخاص لایق انتخاب کنند و حقوق کافی بدهند و نیت و ضبط بوسیله ماشین صورت بگیرد و تلفون رواج بیابد و منشیان بالیاقت بکار گمارده شوند؟ و اگر با قوانین و مقرراتی که در اجرای آنها باید بکوشند با حوائج امروز وفق نمیدهد بلکه خلاف مصالح فرد و اجتماع است اصلاحات دیگر چه نفع عام دارد؟ کیست که بتواند ازین همه قوانین و مقررات سردر بیآورد؟ امروز در ایتالیا بموجب قانونهای موجود هر کس میتواند بهر گونه انقلابی که میخواهد خواه اشتراکی، خواه فاشیستی، خواه هرج و مرج و خواه اتحادیه بازی، دست بزنده هر گونه مرامی را چه مرام آزادی خواهان (لیبرال) و چه مرام اجتماعیان (سوسیالیست) بی هیچ نزاع و سترگ بندی و بدون انقراض مجلس یا جمعیتی ملی یا ایجاد هیچگونه دغدغه خاطر و کلای مجلس بموقع اجراء در آورد. تنها کاری که باید کرد این است که شخص اوراق قوانین را زیر و رو کند و قانون مطلوب را بیابد و آنها را بجد مجری دارد.

مثلاً شهربانی بموجب صد و پنجاه ماده قانون میتواند در بسیاری از امور مداخله کند که در

کشورهای دیگر به‌چوچه محتاج بمداخله نیست. عامه ازین مقررات بکلی بی‌خبرند و بکارخویش مشغول و ابدأ واقف نیستند که درعمل، فلان قانون را نقض کرده‌اند. ازجمله این مقررات یکی اینکه مثلاً برای ساختن رُب کوجه فرنگی ویر کردن قوطیهای رُب اجازه شهر بانی لازم است. مثلاً فرس مو و شخم زدن موستان احتیاج به اجازه شهر بانی دارد. همچنین هر گاه باغداری بخواهد درخت خشک زیتون ملک خویش را بیفکند باید تقاضائی که به‌تبت محضری رسیده باشد به اداره حکومتی و اداره بازرسی وزارت فلاحت بدهد و منتظر بشود تا بیک تن متخصص فلاحت بمحل بیاید. سپس هیأتی برای او رسیدگی کنند آنچه نظر دهند که باغدار درخت خشک را بر کند یا نکند.

معال است که حتی با کفایت‌ترین کارمند بتواند از تمام قوانین مربوط بکارهایی که از زیر دست او میگردد مطلع باشد. رؤسا و کارمندان یکی از شعبه‌های خزانه‌داری علاوه بر وقوف بقوانین و مقررات خاص باید از دستوره‌های عمومی که خزانه‌داری کل صادر کرده و در مجلدی مرکب از ۱۴۷۷۷ صفحه است با ضمائم آن که ۸۹۹ صفحه میشود. علاوه پنج مجلد قوانین دیگر که ۵۱۶۰۱۶۰ + ۲۰۰۴۲۰۲۶۷ صفحه است و جمع آن به ۳۰۷۲۳ صفحه میرسد بدانند. قوانین مربوط به اراضی و اموال دولت و امور نقدی و پولی را هنوز کسی از عهده بر نیامده است که زیر و رو کند. هر وقت امری پولی پیش آید نظارت آن بعهده اعضای مجاسبات کل و دیوان مجاسبات است که به اتفاق باید رسیدگی کنند. کوچکترین حاجت مانند خرید یک صندوق یا یک دوات، انتقال یک عضو، شروع کاری مختصر باید ازین خان بگذرد. در دالان اداره حسابداری کل سنگری بیلندی کوهی عظیم از پرونده‌های فرقه در خاک بریای است و هرگز گذر کارمندی بدان نیافتند. از زمان تصویب اعتبار خرید تا اقدام بخرید در صورتی که مشکلی پیش نیاید و بدائی حاصل نگردد دو سال وقت لازم است. پیشنهاد هر نوع کار عام المنفعه از کندن کاریزی کوچک تا ساخت پلی عظیم، از مرمت کردن یک کوجه تا سدمانع فروافتادن تخته سنگ کوه که ممکن است تپه‌ای را بکلی ویران سازد برای رسیدگی و مطالعه باید از چهارده اداره و شعبه قانونی بگذرد. سپس در صورت موافقت شانزده مرحله دیگر باید طی کند تا اداره یا دستگاه لازم برای اجرای نقشه بکار آغاز نماید. در هر یک ازین مراحل البته استاد رد و بدل میگردد و غالباً شعبه‌ای برای اظهار لجه و حفظ حقوق و شؤون خویش بانظر شعبه دیگر مخالفت میکند.

همه کسی میدانند که در دنیای امروز کاغذ بازی و اداره سازی بالای جان مردم است اما در ایتالی این دستگاه جنبه‌ها و صفات خاص دارد. مثلاً مافروزندان آدمی از بس رحیم و دل نازک هستیم همه کودکان را که در مسابقه شرکت میجویند می‌پذیریم. یدران عالی‌مندی را هرگز از کار بیکار نیکنیم و از خطا و غلطکاریهای کارمند در میگذریم. مشکل دیگر بیکار ماندن جوانان است که از دانشگاه و دبیرستانهای جنوب ایتالی برمیخیزند و همه به اجبار روی بوزارتخانه‌ها می‌آورند. بجای آنکه برای جوانان کارهای مفید و مطابق ذوق و سلیقه فراهم کنیم بر حسب فکر یوسبده خویش دلخوش داریم که بگروهی بی‌لباقت و بی‌کاره مبلغی « بخور و نیر » بدهیم و آنرا احسان و « هم بیچارگان خوردن » نام نهیم. این طرز فکر با افکار جدید همساز نیست زیرا اداره بازی نه تنها مانع سعی و عمل مردم کشور میگردد بلکه درست همت و غیرت آنان را سستی می‌بخشد و کشور را بقر و فاقه‌ای که برای نخستین بار در تاریخ کشور ایتالی در صد ریشه کن کردن آن هستیم غوطه‌ور میسازد.